

بهرام گور

بهرام گور - بهرام فرزند یزدگرد سابور، وهرام، بهرام پنجم - پانزدهمین پادشاه ساسانی بود که جلوس او (421 فوت او 438 م.) اتفاق افتاده است. عوفی، شمس قیس، دولتشاه و رضا قلی‌خان هدایت او را نخستین شاعر پارسی‌گو دانسته‌اند و همگی بیت زیر را به او نسبت داده و آن را نخستین شعر فارسی خوانده‌اند:

منم آن پیل دمان و منم آن شیر یله

نام من بهرام گور و پدرم بوجبله(1)

این بیت، با تفاوت در بعضی کلمات، به چند صورت نقل شده که احتمالاً در طی زمان اصلاح شده و تغییر یافته است. داستانهای بسیاری درباره شجاعت بهرام گور - در جنگها، عشق‌بازیها و شکارهای او نقل کرده‌اند که هم در ادبیات و هم در نقاشی سر زمین های فارسی زبانان رواج و شهرت یافته و قرنهای بسیار، زیور پرده‌های نقاشی و قالی‌ها بوده است.

بهرام گور سوای رهبری شاهنشاهی ایران بزرگ یا سرزمین نیاکان دارای اندیشه های معرفتی و فرهنگی و ادبی نغزی بوده است. اندیشه و اندرزنامه مشهور او رامیتوان در «شاهنامه» فردوسی جست و جو کرد.

او در این‌جا گوهر پاک اندیشه‌های عارفانه و انسان‌گرایانه خویش را بیان می‌دارد و سندی جاودانه از آیین کهن آریان را به یادگار می‌نهد که از پاره‌های باشکوه شاهنامه است.

در زمان « بهرام گور » است که نوازندگان و رامشگران در کوچه و بازار برای مردم شادی می‌آفرینند و برای نخستین بار در زمان ساسانیان به مردم عادی اجازه آموختن و رفتن به مدرسه داده می‌شود.

شهرسازی و پیشه‌ها رونق می‌گیرد. امنیت و آرامش گسترش می‌یابد. دوران وی بنا بر اسناد موجود از بهترین دوران‌های پیش‌رفت تاریخ کهن سر زمین نیاکان ماست.

ذوق ادبی و موسیقی بهرام گور در تاریخ ایران بزرگ معروف است، چنانکه نوشته‌اند، چهار صد نوازنده و خواننده از هند به خراسان آورد. در زمان او موسیقی دان ها بر سایر طبقات مقدم بودند و او به آنها بسیار محبت می‌کرد.

بهرام گور، در دوران ولیعهدی خویش در «حیره» نزد نغمان لخمی، از ملوک «حیره» به سر می‌برد به دوشیزه ای خنیاگر (آواز خوان و نوازنده) به نام آزاده دلبسته بود. آوازه این مهر به حدی بود که هنرمندان و نگارگران آثار خود را به این مطلب مزین می‌کردند.

بهرام گور به مقام موسیقی دانان توجه زیاد داشت و از شنکل (shankal) فرمانروای هند خواست تا عده خنیاگر (آوازخوان و نوازنده) را به دربار او اعزام دارد. گویند دوازده هزار هنرمند به ایران زمین آمدند. به اتفاق نظر دوران پادشاهی بهرام گور، با نگاه دگردوستی، یادآور عصر سعادت و بهروزی انسان ایران بزرگ بوده است. از شاهنامه بر می آید که در دربار ساسانیان مثل زدن داستانهای کهن و تاسی جستن به رفتار و کردار قهرمانان آن رسم بوده و مثلاً بهرام گور به ویژه به آن حکایتها عشق می ورزیده است. حتی بنا بر ضبط برخی نسخه ها آموختن این تاریخ داستانی پس از آموختن دبیری و آئین و فنون شکار و چوگان و جنگ، بخشی بوده است از آموزش و تعلیم و تربیت بهرام گور.

در داستان های بهرام گور در شاهنامه می بینیم و می خوانیم که او هم این رامش و شادی تام را برای مردم می خواست و هم برای خود و از ستم و جنگ بیزار بود. (2)

بهرام گور خلاف دوران های کهن تر داستانی در شاهنامه، شاهی است که خود قهرمان قدراول داستان هاست و نه پهلوان. از خود داستان ها بر می آید که دانسته و آگاهانه به ابداع و خلق این داستانها توجه می ورزیده است.

شکل گیری و مقبولیت چنین تصویری از يك پادشاه آرمانی، در گذر دوران، این انگیزه را در حکمرانان پس از بهرام به وجود آورده است که نسبت با او را، اگر چه بهره ای از واقعیت نبرده باشد، مبنای مشروعیت سیاسی خود قرار دهند. به این ترتیب علاوه بر دین، که اساس و بنیاد مشروعیت دولت ها را در خراسان بزرگ تشکیل می داده است، برخی از سلاطین و حکمرانان در صدد تمسک به منابع دیگری برای تقویت مشروعیت دولت خویش برآمده اند، چنان که بوئیان سعی داشتند با انتساب خود به بهرام گور، پادشاه ساسانی، مشروعیت مضاعفی برای خود پدید آورند. (3)

در هفت پیکر نظامی می خوانیم که بهرام گور در يك خشکسالی دهشتناک، انبارهای غله را گشود و مواد غذایی به مردم ارزانی داشت و بدینوسیله اجازه نداد که طی چهار سال قحطی کسی از گرسنگی بمیرد. به پاس این خدمتی که بهرام به زندگی کرده بود، هاتفی (آواز دهنده) به او ندا داد که به مدت چهار سال مرگ از دیار وی رخت بر خواهد بست:

چون تو در چار سال خرسندی

مرده ای را ز فاقه نپسندی

چار سالت نوشته شد منشور

کز دیار تو مرگ باشد دور

از بزرگان ملك او با خرد

کس شنیدم که چار سال نمرد (4)

باید دانست که در عرفان خراسان بزرگ، همواره موسیقی از نیروهای مهم معنوی بوده است. در همین روزگار ساسانیان و اشکانیان، موسیقی خراسان و ایران بزرگ در کل رشد بسیار کرد. رامتین، بامشاد، نکیسا، آزاد، چنگی، سرکش، باربد، پهلبد، ریزک، خوش آرزو. از موسیقی دانان و آهنگسازان این دوران اند.

از موسیقی خراسان زمین افسانه های مانده که اکثرشان از دو آهنگساز و رامشگر معروف « باربد» و « نکیسا» صحبت می کند. این هردو متعلق به دوران سلطنت ساسانیان بودند.

آهنگهای « دستان داد آفرید»، « دستان پرتو پر خار»، « دستان سبز اندر سبز»، « دستان پیکارگرد» سرودها و نغمه هایست که توسط موسیقی دان شهیر وقت « باربد» در دربار پادشاه ساسانی « خسرو پرویز» خوانده و نواخته شده است:

سرودی به آواز خوش برکشید

که اکنون تو خوانیش داد آفرید

زننده دگرگون بیار است رود

برآورد ناگاه دیگر سرود

که پیکار گردش همی خواندند

همی نام از آواز او راندند

بر آمد دگر باره آواز رود

دگر گونه تر ساخت بانگ سرود

همان « سبز در سبز» خوانی کنون

برین گونه سازند مکر و فسون

باربد موسیقی دان خاص خسرو پرویز بود که در کتاب های ادبی و تاریخی مانند شاهنامه فردوسی و خسرو و شیرین نظامی حکایاتی از او نقل شده است.

پروفسور بیلی (BAILY) در یکی از مقاله های خود که در سال 1934 میلادی نوشته شده، آورده است:

" باربد از موسیقی دانان و نوازندگان با نام و از بزرگترین آهنگسازان دوران خسرو پرویز بود. بسیاری از نواهایی موسیقی کنونی که هنوز بعضی از آنها با همان نام در ردیف دستگاه های موسیقی حاضر سرزمین ما باقیمانده است، از ساخته ها و پرداخته های او می دانند و برخی نیز اختراع مقامات را به او نسبت می دهند.

می گویند باربد برای هر روز از هفته آهنگی ساخته بود که آن را هفت خسروانی می گفتند و این آهنگ های هفت گانه در کتاب های تاریخ و موسیقی به نام طرق السلوکیه مشهور است.

همچنین برای هر روز از سی روز ماه، لحنی ساخته بود که به نام « سی لحن باربد» معروف است. " در این رساله قید شده است که سازهایی نظیر دومبلك (DUMBALAK)، رباب، شیشك (SESk)، کانار (kannar)، تنبور (TANBUR)، بر بوت (BARBUT) و... از جمله سازهای موجود در خراسان بزرگ بوده است. گفته می شود که « باربد» سیستم موسیقی خاصی بنا کرد که شامل هفت مقام شاهی (خسروانی ساسانیان)، سی لحن و سیصد و شصت دستان یا لحن مترادف روزهای هفته، ماه و سال تقویم ساسانی بوده است.

هر روز یکی از آنها را که مناسب بوده می نواخته است تا خسرو از تکرار نغمات موسیقی خسته نشود. نغمه ها و مقام های مذکور امروزه شناخته شده نیست، اما بعضی از اسامی آنها در نوشته های **الکندی**، **ابن زیله** و **نظامی** ذکر

شده است. نظامی اسامی سی لحن بارید را که برای سی روز ماه ساخته در کتاب خسرو و شیرین آورده و مطلب را با این شعر آغاز کرده است :

سماع ارغنون را سـاز در داد

نام هایی که نظامی در خسرو و شیرین آورده، معلوم نیست نغمات اختراعی بارید باشد اما چون نام اغلب آنها فارسی خالص است و دیگران هم همین نام ها را کم و بیش از او ذکر کرده اند، می توان با حدس نزدیک به یقین گفت که این نغمات و سروده ها یادگار دوره ساسانی است .

و عبارت اند از : گنج باد آور، آرایش خورشید، مشکدانه ، نیمروز، رامش جان، نوشین باده، نوروز، شب‌دیز، کبک دری، کیخسروی، سبز در سبز، ماه، شادروان مروارید ، اورنگ، تار نوروز، نوش باده، نیم روز، بانگ سبزه، کین سیاوش، باغ شیرین، و لا غیر می باشد . (5)

رهبر موسیقی‌دانان را در دوران ساسانیان خرمباش می‌گفتند. تنبور، زنگ، عود، بربط، چنگ، نای، قره نی، تمبک از سازهای این زمان‌اند. روشین به ترانه‌هایی گفته می‌شد که با ساز اجرا می‌شدند. « دستان » نیز نام سروده ها و لحن ها و نغمه‌هایی بود که برای یک ترانه می‌ساختند.

« اورامان شیوه » برای خوانندگی بود و شعرهای آن را « فلهویات » می‌خواندند. « لاسکو » نیز شیوه‌ای برای خوانندگی بود . (6)

بیان پادشاهی بهرام گور در قالب منظوم ، در شاهنامه فردوسی در چهل و شش شماره به تحریر در آمده است. بگونه مثال ما از جمع کل به نشر شماره اول آن اکتفا میکنیم :

چو بر تخت بنشست بهرام گور
برو آفرین کرد بهرام و هور
پرستش گرفت آفریننده را
جهاندار و بیدار و بیننده را
خداوند پیروزی و برتری
خداوند افزونی و کمتری
خداوند داد و خداوند رای
کزویست گیتی سراسر به پای
ازان پس چنین گفت کاین تاج و تخت
ازو یافتم کافریدست بخت
بدو هستم امید و هم زو هراس
وزو دارم از نیکوویها سپاس
شما هم بدو نیز نازش کنید
بکوشید تا عهد او نشکنید
زبان برگشادند آریایان
که بستیم ما بندگی را میان
که این تاج بر شاه فرخنده باد
همیشه دل و بخت او زنده باد
وزان پس همه آفرین خواندند
همه بر سرش گوهر افشانند

چنین گفت بهرام کای سرکشان
ز نیک و بد روز دیده نشان
همه بندگانیم و ایزد یکیست
پرستش جز او را سزاوار نیست
ز بد روز بی‌بیم داریمتان
به بد خواه حاجت نیاریمتان
بگفت این و از پیش برخاستند
برو آفرین نو آراستند
شب تیره بودند با گفت‌وگوی
چو خورشید بر چرخ بنمود روی
به آرام بنشست بر گاه شاه
برفتند آریایان بارخواه
چنین گفت بهرام با مهتران
که این نیک‌نامان و نیک‌اختران
به یزدان گراییم و رامش کنیم
بگفت این و اسپ کیان خواستند
بتازیم و دل زین جهان برکنیم
کیی بارگاهش بیاراستند
سه دیگر چو بنشست بر تخت گفت
که هستی یزدان گواهی دهیم
روان را بدین آشنایی دهیم
بهشتت و هم دوزخ و رستخیز
ز نیک و ز بد نیست راه گریز
کسی کو نگرود به روز شمار
مر او را تو بادین و دانا مدار
به روز چهارم چو بر تخت عاج
بسر بر نهاد آن پسندیده تاج
چنین گفت کز گنج من یک زمان
نیم شاد کز مردم شادمان
نیم خواستار سرای سپنج
نه از بازگشتن به تیمار و رنج
که آنست جاوید و این ره گذار
تو از آز پرهیز و انده مدار
به پنجم چنین گفت کز رنج کس
نیم شاد تا باشدم دستس
به کوشش بجویم خرم بهشت
خنک آنک جز تخم نیکی نکشت
ششم گفت بر مردم زبردست
مبادا که هرگز بجویم شکست (7)

- 1 - صفحه : - 8k - 26 ID?eloquent_view.asp?www.paarsi.com
- 2 - 54k - /saeed.persianblog.com سال 1382 هـ.ق. .
- 3 - (سلسله های اسلامی در ایران و مسئله‌ی مشروعیت، علیرضا شجاعی زند، فصلنامه‌ی حکومت اسلامی، شماره ۲)
- 4 - کلیات خمسه ی نظامی، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران 1366 ، ص 662 تا 664 .
- 5- رجوع بمنابع :
 - سرگذشت موسیقی ایران ، روح اله خالقی، انتشارات ماهور.
 - ایران در زمان ساسانیان، آرتور کرسٹین سن، ترجمه رشید یاسمی، نشر قصه پرداز.
 - نگرشی بر پیشینه موسیقی ایران، مجموعه مقالات، انتشارات میراث فرهنگی.
 - پایگاه اینترنتی هارمونی.
 - موسیقی در تمدن ساسانی، کرسٹین سن، بولتن انجمن فرانسوی دوستداران شرق.
 - برهان قاطع- انتشارات امیر کبیر.
 - سیزده صدو هشتاد و سه .
 - صفحه :
- www.persianartmusic.com/
Archives/Articles_Archives_43.aspx - 100k
- 6 - رجوع شود بمنابع :
 - فروغ دو هفته نامه فرهنگی ، سال سوم ، شماره 77 سال 1384 نگاهی به ریشه ها : بخش یازدهم ، محمود کوپر ،
 - صفحه جستجوی الگو ، پادشاهی بهرام گور ، 16 - 20
- 7- رجوع شود به صفحات :
shahnameh.recent.ir/default.aspx?item=494 - 8k و
www.mehrargham.com/dorjonline/Shahnameh/partpoem
و 49.html - 22k
- 16k - /fa.wikipedia.org/wiki/بهرام_گور -

